

بررسی تیتر روزنامه‌های ورزشی از دیدگاه گفتمان‌شناسی انتقادی: مطالعه موردی مسابقات تیم‌های پرسپولیس ایران و الهلال عربستان

علی کریمی فیروزجایی

استادیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه پیام نور

تاریخ دریافت: (۹۶/۰۳/۲۷) تاریخ پذیرش: (۹۶/۰۵/۲۴)

A study of titles of sport newspapers from the critical discourse analysis: a case study of Perspolis of Iran and Alhelal of Saudi arabia matches

A. Karimi Firozjaei

Assistant Profssor of Linguistics faculty, Payame Noor University

Received: (2017/June/17)

Accepted: (2017/Augu/15)

Abstract

Media are mass communication devices which have prominent and important role in organizing public opinions. Newspaper is an affective media because of having addressee from different levels of society has kept his role in effecting on culture and society. Newspaper headlines because of offering an overall image of a piece of news, its relative importance and categorization, facilitate special comprehension for readers. This research studies some headlines of sport newspaper about football matches between Perspolis of Iran and Alhelal of Saudi with critical discourse analysis and on the bases of Norman Fairclough theoretical framework and model (1992). Main questions of this research are as follow: authors use which linguistic strategies in selecting a sport headlines and what ideology and social and cultural elements are covered in choosing headlines in 3 levels of text, interaction and social context. The findings of this research show that sort headlines have special style regarding linguistic devices and cultural and ideological inclination.

Keywords

discourse analysis, critical discourse analysis, football, Fairclough model, sport media.

چکیده

رسانه‌ها وسایل ارتباط جمعی مهمی هستند که نقش ممتاز و بسزایی در سامان‌دهی افکار عمومی دارند. روزنامه یکی از رسانه‌های موثر است که به دلیل داشتن مخاطب از سطوح مختلف جامعه، نقش خود را در تأثیرگذاری بر فرهنگ و جامعه حفظ نموده است. تیتر روزنامه به دلیل ارائه تصویری کلی از یک ماجرای خبری، اهمیت نسبی و طبقه‌بندی آن، برداشتی را برای مخاطبین فراهم می‌سازد. این پژوهش با روش گفتمان‌شناسی انتقادی و بر پایه چارچوب نظری و مدل سه‌بعدی نورمن فرکلاف (۱۹۹۲) به بررسی تیتر برخی روزنامه‌های ورزشی در خصوص مسابقات فوتبال بین ایران و عربستان سعودی می‌پردازد. پرسش‌های اساسی این پژوهش عبارت است از این که نویسنده در انتخاب تیترهای ورزشی از چه راهکارهای زبان‌شناختی استفاده نموده است و چه رویکردهای ایدئولوژیک و باورهای فرهنگی و اجتماعی در انتخاب تیترها در سه سطح متن، تعامل و بافت اجتماعی نهفته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تیترهای ورزشی هم از حیث استفاده از راهکارهای زبان‌شناختی و هم از بعد جهت‌گیری فرهنگی و ایدئولوژیک، سبک ویژه‌ای دارند.

واژه‌های کلیدی

گفتمان، گفتمان‌شناسی انتقادی، فوتبال، الگوی فرکلاف، رسانه‌های ورزشی.

مقدمه

متون مطبوعاتی و مخصوصاً در تیتربهای آنها منعکس می‌شود.

مفاهیم مهم مورد استفاده در این پژوهش عبارتند از:

* **گفتمان و گفتمان‌شناسی**

گفتمان اصطلاحی است که اگرچه حوزه‌های بسیار وسیعی را در برمی‌گیرد اما هنوز تعریف دقیقی از آن ارائه نشده است. (استابز، ۱۹۸۳؛ تانن، ۱۹۸۹؛ شفرین، ۱۹۹۴) یکی از دلایل این امر آن است که فهم ما از گفتمان، مبتنی بر پژوهش‌های مجموعه‌ای از رشته‌های علمی است که در واقع بسیار از هم متفاوتند (ون‌دایک، ۱۹۸۵: ۸). عضدانلو (۱۳۸۰) گفتمان را یکی از ابزارهای موثری می‌داند که برای به اسارت در آوردن زبان، پی بردن به ویژگی‌های مختلف ارتباط میان افراد و همچنین طبقه‌بندی کردن موضوعات آنها در اختیار داریم. وی گفتمان را نمایان‌گر تبیین زبان در ورای مقیاس‌هایی بزرگتر تلقی می‌کند. از نگاه شعیری، گفتمان یک حضور ذهنی است که به عنوان یک معنای کلان، به صورت تدریجی و پویا در قالب یک کلان‌نشانه (متن گفتاری یا نوشتاری) حضور، بروز و باز نمود می‌یابد. وی گفتمان را گونه‌ای «فرآیند گفته‌پردازی» به حساب می‌آورد که در آن، موضع‌گیری تعاملی عوامل گفتمانی (گفته‌پرداز و گفته)، ضمن هویداسازی جنبه‌های پنهان زبان، منجر به تولید متنی بهره‌مند از معنایی منسجم می‌شود. (شعیری، ۱۳۸۵: ۵-۱) روی هم رفته و در ورای همه رویکردها به گفتمان، باید پذیرفت که گفتمان قطعه‌ای زبانی و بامعنا است که اجزای آن به شکلی به هم مربوطند و هدف خاصی را دنبال می‌کنند. (یارمحمدی، ۱۳۸۵: ۱)

گفتمان‌شناسی که در زبان فارسی به تحلیل گفتمان، سخن‌کاوی، تحلیل کلام و تحلیل گفتار نیز ترجمه شده است، یک گرایش بین‌رشته‌ای است که از اواسط دهه‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ میلادی در پی تغییرات گسترده معرفتی در علوم اجتماعی و انسانی ظهور کرد. گفتمان‌شناسی وجوه اشتراک فراوانی با علم بلاغت یا رتوریک دارد که همان صورت اقتناعی زبان و مطالعه قواعد و تمهیداتی است که به کمک آنها سخنرانان، سخنان اقتناعی تولید نموده تا در مخاطبان انگیزش و تأثیر ایجاد کنند (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۳).

در پس هر متن، نوشته یا گفتاری انگیزه‌ای اجتماعی و فرهنگی وجود دارد که بر باورهای پنهان نهفته در متون، ساخت و معنی متن و گفتمان دلالت دارد و رویکرد گفتمان‌شناسی انتقادی تلاش در شناسایی و کشف این ایدئولوژی^۱ است.

رسانه‌ها و مخصوصاً روزنامه‌ها از جمله وسایل ارتباط جمعی مؤثری هستند که در ساخت، شکل‌دهی و تثبیت فکری مردم در هر جامعه‌ای نقش دارند. روزنامه امروزه هم به صورت سنتی و با استفاده از صنعت چاپ و هم به صورت الکترونیک و با بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و شبکه‌های مجازی منتشر شده و به دلیل ماندگاری و امکان دسترسی مجدد به آنها تا مدت زمان طولانی، دارای نقش ممتازی در جهت‌دهی افکار عمومی و اثرگذاری بر فرهنگ و جامعه دارند.

نشریات ورزشی با توجه به ارتباط مستقیم با قشر عظیم جوان، که لازمه آن تحرک و نشاطبخشی است به ویژه برای بازی‌های آسیایی و بین‌المللی نیازمند ایجاد تحرک و هیجان هستند تیتربهایی که انگیزش لازم را در مخاطبان به وجود آورده و حمایت مردمی را از نمایندگان و تیم‌های ورزشی جلب نمایند.

از آنجا که رسانه‌ها و روزنامه‌ها نشان‌دهنده دیدگاه‌های فرهنگی اجتماعی هر جامعه‌ای هستند، یکی از جهت‌گیری‌های رویکرد تحلیل انتقادی پرداختن به حوزه رسانه می‌باشد. تیترب روزنامه ارائه‌کننده تصویری کلی از یک ماجرای خبری، اهمیت نسبی آن و نیز طبقه‌بندی آن خبر می‌باشد و به همین دلیل از لحاظ نظری نگاهی گذرا به تیترب روزنامه، برداشتی از میزان اهمیت و تأثیر آن خبر را برای مخاطبین فراهم می‌سازد. کارکرد تیترب روزنامه در جلب توجه خواننده و القای پیام مدنظر نویسنده موجب می‌شود تا تنظیم شکل، محتوا و ساختار تیترب از مباحث اصلی حرفه روزنامه‌نگاری باشد.

ورزش یکی از مسائل اجتماعی است که همیشه در کانون توجه رسانه‌ها قرار دارد. از میان رسانه‌های گروهی، مطبوعات ورزشی نقش مهمی در شکل‌دهی نگرش جامعه در خصوص مسائل اجتماعی مخصوصاً در امر ورزش دارند. مطبوعات ورزشی همانند سایر رسانه‌ها و مطبوعات در تلاش هستند تا جامعه را تحت تأثیر افکار و اخبار مورد علاقه خود قرار دهند. ایدئولوژی‌ها و دیدگاه‌های نویسندگان روزنامه‌های ورزشی در

2. Stubbs

3. Tanen

4. Schiffrin

1. ideology

پرداخته‌اند. نویسندگان در مرحله توصیف به استعاره‌ها، تشبیهات، تشخیص و ... پرداخته و در مرحله تبیین، انحرافات اجتماعی و فرهنگی جامعه بررسی شده است.

ناصری و همکاران (۱۳۹۴) به تجزیه و تحلیل داستان مرگ بونصر مشکان پرداخته‌اند. در این مقاله در سطح توصیف هم‌نشینی واژگان، کاربرد ضمائر، مجهول‌سازی مورد توجه قرار گرفته‌اند. در مرحله بعد، تفسیر فضای عاطفی و روانی حاکم بر اجتماع بحران‌زده آن دوران آشکار شده است. در سطح تبیین تقابل آسایش روحی و پریشانی، تعهد و بی‌تعهدی، وفاداری و خیانت، دوستی و دشمنی بررسی شده است.

احمدی کلاته‌احمد (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی کارکرد نظام کنشی و غیرکنشی در گفتمان‌های ورزشی» به تحلیل کلامی نمونه‌هایی از متن‌های ورزشی روزنامه‌های ایران پرداخته و به نظام‌کنشی (روایی) و غیرکنشی (عاطفی و شناختی و تنشی) در رویکرد نشانه‌معناشناختی نوین در تحلیل متن توجه نمود و با هدف بررسی شرایط تولید معنا از نظر سازوکارهای کنشی و غیرکنشی در گفتمان‌های ورزشی به این نتیجه رسید که نظام کنشی بیش از نظام غیرکنشی زیربنای متن‌های ورزشی را تشکیل می‌دهد.

تحلیل گفتمان انتقادی در متون ورزشی سابقه‌ای در ایران ندارد و این پژوهش از حیث کاربرد چارچوب‌های تحلیل گفتمان در متون ورزشی نوآوری داشته و با تحلیل تیتیر روزنامه‌های ورزشی، به بررسی تأثیر متقابل حوزه ورزش و حوزه‌های فرهنگ و ایدئولوژی پرداخته است.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش از نظر هدف و نتیجه کاربردی است؛ روش پژوهش در این پژوهش، روش کیفی تحلیلی - توصیفی بوده و جامعه آماری این پژوهش با استفاده از نمونه‌گیری هوشمند تیتیر چند نشریه ورزشی شکل گرفته است.

در این پژوهش با روش گفتمان‌شناسی انتقادی ۶ و بر پایه چارچوب نظری نورمن فرکلاف (۱۹۹۲) به بررسی تیتیر برخی روزنامه‌های ورزشی در خصوص مسابقات فوتبال بین ایران و عربستان سعودی که در یک بازه زمانی خاص که تیرگی بر روابط سیاسی بین دو کشور حاکم بوده، توجه شده است. این پژوهش در پی آن است تا به پرسش‌های اساسی زیر پاسخ دهد: راهکارهای زبان‌شناختی مورد استفاده نویسنده تیتیر کدام

یارمحمدی (۱۳۹۳) بر این باور است که گفتمان از مرحله تجزیه و تحلیل که سرآغاز هر علم است گذشته و به اندازه کافی به اصول رسیده است و بنابراین می‌توان آن را یک علم به حساب آورد و «گفتمان‌شناسی» نامید. گفتمان‌شناسی، به دلیل بین‌رشته‌ای بودن، در کوتاه‌مدت به عنوان یکی از روش‌های کیفی در حوزه‌های مختلف علوم سیاسی، علوم اجتماعی، ارتباطات و زبان‌شناسی انتقادی مورد استقبال واقع شد. اصطلاح تحلیل گفتمان نخستین بار در سال ۱۹۵۲ در مقاله‌ای از زبان‌شناس معروف زلیک هریس^۵ به کار رفته است. زلیک هریس در این مقاله دیدی صورت‌گرایانه به دست داد و تحلیل گفتمان را صرفاً نگاهی صورت‌گرایانه (و ساختارگرایانه) به جمله و متن برشمرد. بعد از هریس، بسیاری از زبان‌شناسان، تحلیل گفتمان را نقطه مقابل تحلیل متن دانسته‌اند. به اعتقاد این عده تحلیل گفتمان شامل تحلیل ساختار زبان گفتاری مانند گفتگوها، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها - و تحلیل متن شامل تحلیل ساختار زبان نوشتاری - مانند مقاله‌ها، داستان‌ها، گزارش‌ها و غیره - است. (یحیایی ایله‌ای: ۵۹)

آقاگل‌زاده و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «انگاره زبان‌شناختی نگارش و گزینش خبر: رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی» با هدف شناسایی و معرفی انگاره زبان‌شناختی فرآیند نگارش و گزینش خبر، ضمن معرفی اصول چهارگانه گرایس، به نقش عوامل کلان‌ساختی از جمله، ایدئولوژی، روابط قدرت و رقابت در شکل‌دهی به گفتمان خبری پرداختند.

رضاپور و آقاگل‌زاده در مقاله‌ای با عنوان «نقش استعاره در برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی ایدئولوژی در روزنامه‌های داخلی»، ضمن معرفی رویکردهای مختلف درباره تحلیل انتقادی استعاره و استخراج نمونه‌هایی از استعاره‌های گفتمانی از برخی روزنامه‌های کثیرالانتشار، راهبردهای ایدئولوژیک استعاره نظام‌مند در گفتمان را برشمردند.

جهانگیری و ریگی‌زاده (۱۳۹۲) در مقاله‌ای از دیدگاه فرکلاف، تحلیل گفتمان را دارای سه ویژگی رابطه‌ای بودن، دیالکتیکی و فرارشته‌ای می‌دانند. آنها معتقدند که رویکرد واقع‌گرایانه انتقادی فرکلاف بر ساخته شدن جهان اجتماعی به گونه‌ای اجتماعی تأکید دارد. از دیدگاه آن‌ها ایدئولوژی عنصری اساسی در فرآیند مسلط شدن گروه‌های اجتماعی است.

محسنی و پروین (۱۳۹۴) خطبه‌های امام علی(ع) در نهج‌البلاغه را از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف

است؟ چه اندیشه‌های ایدئولوژیک و باورهای فرهنگی و اجتماعی در لایه‌های زیرین این تیترا در سه سطح متن، تعامل و بافت اجتماعی نهفته است؟

تحلیل گفتمان فرکلاف در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین انجام می‌شود و در این پژوهش با توجه به سؤالات پژوهش از این سه سطح استفاده می‌گردد. ماهیت تحلیل‌های هر سطح متفاوت است. «تحلیل در مرحله اول، به برچسب‌دهی ویژگی‌های صوری متن اکتفا می‌کند و متن را به مثابه یک شیء در نظر می‌گیرد و در مرحله دوم، تحلیل گفتمان به تحلیل فرآیندهای شناختی شرکت‌کنندگان و تعامل بین آنها می‌پردازد. مرحله تبیین نیز ارتباط میان رویدادهای اجتماعی (تعاملات) با ساختارهای اجتماعی را بیان می‌کند» (آقاگل زاده و غیاثیان، ۱۳۸۶). به طور کلی، در چارچوب روش‌شناسی فرکلاف می‌توان از ابزارهای گوناگونی برای تحلیل استفاده کرد. این مقاله به دلیل پرداختن به تیترا و نه محتوای خبرهای ورزشی، سطوح دوم و سوم را در هم ادغام نموده و در سطح اول یعنی توصیف، ویژگی‌های صوری متن، ارزش‌های تجربی، رابطه‌ای و بیانی واژگان و دستور جملات و در سطوح تفسیر و تبیین از عناصر ایدئولوژیک، اجتماعی و سیاسی و نیز فرآیندهای نهادی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است.

گفتمان‌شناسی روشی برای تحلیل گفتار یا نوشتار است که به وراى محدوده جمله و حتی به ناگفته‌ها و نانوشته‌های یک متن در جهت ایجاد ارتباط بین فرهنگ و زبان می‌پردازد. تحلیل گفتمان، تحلیل چنین واحد زبانی بالاتر از جمله می‌باشد. تحلیل گفتمان و متن، به شاخه‌ای از زبان‌شناسی جدید اطلاق می‌شود که هدف آن توصیف کلام پیوسته معنی‌دار بالاتر از جمله است. (آقاگل زاده، ۱۳۸۵: ۴۶-۵۷)

*گفتمان‌شناسی انتقادی

تعاریف متنوع و گوناگونی ازگفتمان‌شناسی انتقادی صورت گرفته است. تحلیل گفتمان انتقادی، شاخه علمی میان‌رشته‌ای است در علم زبان‌شناسی که کارکرد زبان را در جامعه و سیاست بررسی می‌کند. گفتمان‌شناسی انتقادی، زبان را به عنوان عملی اجتماعی در ارتباط با ایدئولوژی، قدرت، تاریخ و جامعه در سطح متن، اعم از گفتاری و نوشتاری مورد مطالعه قرار می‌دهد. گفتمان‌شناسی انتقادی ره‌آورد پسامدرن یا پست

مدرنیسم است که ریشه در آراء میشل فوکو^۷ دارد. این رویکرد از زبان‌شناسی معتقد است که عواملی همچون بافت تاریخی، روابط بین قدرت و سلطه نهادهای اجتماعی و فرهنگی و ایدئولوژیکی، متن یا صورت زبانی یا معانی جدیدی را به وجود می‌آورند. در این رویکرد، زبان آن آئینه شفاف نیست که حقایق را بنمایاند، بلکه شیشه ماتمی است که حقایق را تحریف می‌کند و چگونگی تحلیل آن در اراده قدرت‌های پنهان و آشکار حاضر در نهادهای اجتماعی، سیاسی، گفتمان‌ها را می‌سازد و سپس این گفتمان‌های مورد نظر، با ایدئولوژی و اهداف خاص در گذر زمان از طریق نهادهای اجتماعی، آنچنان در جامعه جا باز می‌کنند و طبیعی جلوه می‌دهند که مردم آن گفتمان را و پذیرش تفکر را امری طبیعی و منطقی و به اراده خود می‌پندارند و بدون هیچگونه مقاومتی، آن را می‌پذیرند و تصور می‌کنند که آزادانه و به اختیار خود می‌اندیشند، قضاوت می‌کنند و تصمیم می‌گیرند، به عبارت دیگر، گفتمان‌ها القاکننده فرهنگ و ایدئولوژی خاص در جامعه هستند. در این رویکرد روابط سلطه و ایدئولوژی دوسویه است. در واقع رویکرد گفتمان‌شناسی انتقادی سیری تکوینی از تحلیل گفتمان در مطالعات زبان‌شناختی است که تحلیل گفتمان را به لحاظ نظری و روش‌شناختی از سطح توصیف متون به سطح تبیین ارتقا داده است و به لحاظ محدوده پژوهش، نیز حیطه عملکردی آن از سطح بافت موقعیت فردی به سطح کلان یعنی، جامعه، تاریخ و ایدئولوژی وسعت یافته است. ارزش‌ها، نگرش‌ها و باورها به طور ناخودآگاه و در جریان کاربست زبان یعنی گفتمان خلق می‌شوند و کنش‌گران در جریان زندگی روزمره آنها را تجربه می‌کنند.

گفتمان‌شناس انتقادی کسی است که مطالعه‌کننده گفتمان‌ها بوده و در سطح جهانی کار می‌کند و بنابراین فراتر از ایدئولوژی، سلطه، قدرت و سیاست است تا بتواند مطالعه و تحلیل جامعی ارائه نماید. وظیفه گفتمان‌شناس انتقادی، این است که پرده از روی صورت ظاهر متون زبانی بردارد و آنچه را که در پشت واژه‌ها، جمله‌ها، متن زبانی، خواه متون مطبوعات و خواه متون زبانی در سایر رسانه‌ها، از نگاه مردم مخفی مانده است، بر آنها آشکار سازد. آنچه که طبیعی جلوه داده شده‌است، طبیعی‌زدانی کند و با درک حقیقت در زندگی و در رقم زدن سرنوشت خویش، تصمیم‌گیری نماید.

آگاهی نسبت به اینکه چگونه زبان در سلطه بعضی بر بعضی دیگر نقش دارد، می‌داند؛ زیرا که وی معتقد است آگاهی و شناخت اولین قدم به سوی رهایی است» (فرکلاف، ۱۹۸۹: ۱). فرکلاف از جریان مسلط زبان‌شناسی به این علت که دیدگاهی غیراجتماعی به زبان دارد و راجع به رابطه بین زبان، قدرت و ایدئولوژی حرفی برای گفتن ندارد، انتقاد می‌کند و دلیل نام‌گذاری «انتقادی» نیز همین است. بدین ترتیب فرکلاف حوزه‌های دیگر مطالعه زبان همچون: جامعه‌شناسی زبان^{۱۰}، کاربردشناسی^{۱۱} و گفتمان‌شناسی را به باد انتقاد می‌گیرد (همان).

یکی از مباحث اساسی در نظریه فرکلاف، ایدئولوژی و قدرت و رابطه آنها با زبان است. با وجود برداشت‌هایی متفاوت از ایدئولوژی، از منظر تحلیل گفتمان انتقادی، مفهوم «ایدئولوژی» برای درک علمی گفتمان، مفهومی کلیدی است؛ زیرا ایدئولوژی «متضمن بازنمود جهان از دید منافی خاص» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۵۳) و ابزار ایجاد و حفظ روابط نابرابر قدرت در جامعه است. این کار به کمک زبان صورت می‌گیرد. هرچند دسترسی ما به واقعیت همواره از طریق زبان صورت می‌گیرد، اما زبان بازتابی خنثی از واقعیتی از پیش موجود نیست، بلکه صرفاً بازتابی‌هایی از واقعیت خلق می‌کند و در بر ساختن آن نقش دارد (یورگنسن^{۱۲} و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۹). بدین ترتیب، از نگاه انتقادی‌ها زبان دارای بار ایدئولوژیک است و ایدئولوژی با وساطت زبان در نهادهای اجتماعی به جریان می‌افتد.

از نظر فرکلاف، ایدئولوژی پیوستگی نزدیکی با زبان دارد؛ استفاده از زبان معمول‌ترین شکل رفتار اجتماعی است. همین‌جاست که روی مفروضات عقل سلیم تکیه می‌شود. اعمال قدرت در جوامع نوین، به‌طور روزافزونی از طریق ایدئولوژی به‌ویژه از طریق کارکردهای ایدئولوژیک زبان صورت می‌گیرد. (فرکلاف، ۱۹۹۶: ۲)

فرکلاف بر این باور است که زبان به اشکال گوناگون و در سطوح متفاوت، حامل ایدئولوژی است. اما پرسش اصلی این است که آیا ایدئولوژی خاصیتی متعلق به ساختارهای زبان است، یا متعلق به رخدادهای زبانی؟ و پاسخ می‌دهد که این ویژگی متعلق به هر دوی آنها است. وی در پاسخ به این سؤال که چه سطوحی از زبان و گفتمان، دارای بار ایدئولوژیک هستند، به نقل از تامپسون^{۱۳} (۱۹۸۴) مدعی می‌شود که این «معانی» هستند که بار ایدئولوژیک پیدا می‌کنند و غالباً منظور

گفتمان‌شناسی انتقادی حاصل برخورد با گفتمان به مثابه کنش اجتماعی زبان است. این نوع نگرش از بطن جامعه‌شناسی جوانه زده و گرایشی در مطالعات کلامی/گفتمانی به وجود آورده که زیر عنوان تحلیل کلام/گفتمان انتقادی مشهور گشته است. (دبیرمقدم، ۱۳۸۶: ۵۱) به عقیده تحلیل‌گران گفتمان انتقادی، هر متن متشکل از دو لایه است: لایه زیرین و لایه زبرین و وظیفه زبان‌شناس کشف، تبیین و توجیه لایه زیرین متن است. (داوری اردکانی و همکاران، ۱۳۹۱) به عبارت دیگر، در رویکرد انتقادی، زبان‌شناس سعی دارد با به‌کارگیری ساز و کار مناسب بین پیام نهفته در متن و نحوه بیان، ارتباط برقرار نماید. (یارمحمدی، ۱۳۸۹) بنابراین، تحلیل گفتمان در پی کشف این مهم است که دریا بد کارکردهای اجتماعی نهفته در لایه‌های زیرین گفتمان چگونه در لایه‌های زبرین آن، تصویرسازی یا بازتابی می‌شوند (همان، ۱۳۸۳).

در تحلیل گفتمان انتقادی، از مؤلفه‌ها یا ساختارهای گفتمان‌مدار برای تحلیل متن استفاده می‌شود. به گفته یارمحمدی: «ساختارهایی گفتمان‌مدار هستند که به‌کارگیری یا عدم به‌کارگیری آنها و یا تغییر و تبدیل آنها به صورت دیگر در گفته و یا متن، باعث شود که از گفته، برداشت‌های متفاوتی شود؛ مطلبی پوشیده و مبهم شود و یا صراحت بیشتری پیدا کند و یا بخشی از گفته را برجسته نماید و بخشی دیگر را در حاشیه قرار دهد.» (همان)

در حوزه گفتمان‌شناسی انتقادی، پژوهشگرانی چون ون‌دایک (۱۹۹۶)، فرکلاف (۱۹۸۹)، هاج و کراس^{۱۴} (۱۹۷۶) و ون لیوون^{۱۵} (۱۹۹۶)، به منظور تعیین مؤلفه‌های گفتمان‌مدار و تحلیل متن، به تنظیم و پیشنهاد الگوهای پرداخته‌اند. از آن میان نورمن فرکلاف یکی از چهره‌های شاخص در زمینه گفتمان‌شناسی است که در نگاه او، تحلیل گفتمان روشی است که در کنار سایر روش‌ها برای بررسی تغییرات اجتماعی و فرهنگی به کار گرفته می‌شود و مرجعی است که در نزاع علیه استثمار و سلطه مورد استفاده قرار می‌گیرد. (فرکلاف، ۲۰۰۲، الف: به نقل از آقاگل‌زاده و غیاثیان، ۱۳۸۶: ۱۴).

فرکلاف رویکرد خود را در حوزه زبان و گفتمان مطالعه انتقادی زبان می‌نامد. او هدف این رویکرد را کمک به تصحیح کم توجهی گسترده نسبت به اهمیت زبان در تولید، حفظ و تغییر روابط اجتماعی «قدرت» و همچنین «کمک به افزایش

10 . sociolinguistics

11 . pragmatics

12 . Jorgensen

13 . Thompson

8. Hodeg, R. & Kress, G.

9 . Van Lee Wen

از معانی، صرفاً یا عمدتاً معانی واژگانی است. تردیدی نیست که معانی واژگانی مهم‌اند، اما پیش‌فرض‌ها، اشاره‌های ضمنی، استعاره‌ها و انسجام که همگی جنبه‌هایی از معنا را تشکیل می‌دهند نیز مهم هستند. (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۹۸)

یافته‌های پژوهش

در این قسمت بر اساس چارچوب نظری فرکلاف در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین، تحلیل هر یک از تیت‌های روزنامه‌های ورزشی ارایه خواهد شد. در مرحله توصیف به ویژگی‌های صوری و زبان‌شناختی تیت‌ها مانند واژگان، دستور و ساخت‌های متنی پرداخته می‌شود. در مرحله تفسیر و تبیین به تحلیل فرآیندهای شناختی که ترکیبی از محتویات خود متن و ذهنیت مفسر یعنی دانش زمینه‌ای که مفسر در تفسیر متن به کار می‌بندد، و نیز به ارتباط میان رویدادهای اجتماعی (تعاملات) با ساختارهای اجتماعی می‌پردازد که بر این رویدادها تأثیر می‌گذارد و یا از آنها تأثیر می‌پذیرند؛ در واقع این سطح به بررسی و تحلیل ارتباط تیت‌ها با عوامل جامعه‌شناختی، تاریخی، گفتمان، ایدئولوژی و دانش فرهنگی اجتماعی می‌پردازد.

تیت‌های روزنامه‌های ورزشی

۱. شلیک به سعود برای صعود
۲. آتش ما تندتر از جهنم تو
۳. پرسپولیس برد؛ الهلال مرد.
۴. قربانی کردن الهلال امشب حلال است.
۵. نوش جان حلال Halal پرسپولیس ۱ الهلال *
۶. صعود روی شانه‌های سعود
۷. ایران در انتظار حماسه ریاض
۸. بردنش حلاله
۹. وای به حال الهلال
۱۰. الهلال آچمز می‌شود.

* سطح توصیف

در تیت‌های بالا با استفاده از برخی روابط معنایی در سطح واژگان به عنوان ابزار زبانی، نوعی برجستگی و جذابیت مفهومی به وجود آمده است. در تیت ۱ رابطه معنایی از نوع هم‌آوایی^{۱۴} و رابطه سجع^{۱۵} بین «صعود» و «سعود» وجود دارد.

همچنین «شلیک» و «صعود» در یک حوزه معنایی قرار دارند. همچنین واژه «شلیک» دارای ویژگی پند معنایی است و به دو معنای شلیک گلوله از اسلحه و شوت زدن توپ فوتبال می‌باشد. در تیت ۲ بین دو واژه «آتش» و «جهنم» رابطه معنایی با هم آیی^{۱۶} (همنشینی) دیده می‌شود. همچنین این واژه‌ها در یک حوزه معنایی قرار دارند. ضمناً واژه‌های «ها» و «تو» از عناصر اشاری^{۱۷} از نوع شخصی بوده و رابطه معنایی مراعات نظیر با هم دارند. در تیت ۳ بین دو فعل «برد» و «مرد» به دلیل جفت‌کمینگی و داشتن دو واج ممیز /b/ و /m/، نوعی سجع (متوازی) وجود دارد. در تیت شماره ۴ بین «هلال» و «حلال» رابطه سجع مطرف وجود دارد. و نیز بین کلمات «قربانی» و «حلال» رابطه باهم‌آیی و کلمات «امشب» و «هلال» (ماه نو) رابطه باهم‌آیی زمانی وجود دارد. همچنین واژه «امشب» از عناصر اشاری زمانی است. در تیت ۵ بین عبارت «نوش جان» و «حلال» رابطه با هم آیی وجود دارد. در تیت ۶ علاوه بر هم آوایی واژه‌ها صعود و سعود بین واژه‌های «صعود» و «شانه» نوعی با هم آیی وجود دارد. در تیت ۷ واژه «حماسه» به صورت چندمعنایی استفاده شده است و به دو معنای پیروزی در جنگ و برد در مسابقات ورزشی است. در تیت ۸ واژه «بردنش» القاکننده مفهوم «بریدن» است که با واژه «حلال» باهم‌آیی دارد. ضمیر متصل «ش» نیز از جمله عناصر اشاری است. در تیت شماره ۹ بین دو واژه «حال» و «الهلال» وجود رابطه سجع مطرف، کلام موزون و شعارگونه پدید آورده است. در تیت ۱۰ واژه «آچمز» که در اصل در بازی شطرنج به کار می‌رود در بازی فوتبال به معنای «میخکوب کردن» به کار رفته که نوعی توسیع معنایی^{۱۸} است. از بین تیت‌های فوق تعدادی جمله وجود دارند که از لحاظ ساخت نحوی، دارای ساختی بی‌نشان و از نوع معلوم هستند و در این جملات فاعل نحوی و مبتدای گفتمانی بر هم منطبق هستند. تقطیع نحوی-گفتمانی این جملات در جدول ۱ ارایه شده است.

جدول ۱

شماره تیت	تقطیع جمله	تقطیع نحوی / معنایی	تقطیع گفتمانی
-----------	------------	---------------------	---------------

16. collocation
17. deixis
18. meaning broadening

14. homophony
15. rhyming prose



تصویر ۱

تصویر ۱ و تیترو آن «شلیک به سعود برای صعود»، از روزنامه خبر ورزشی و به یکی از مسابقات آتی بین دو تیم پرسپولیس و الهلال مربوط می‌شود که در سطوح تفسیر و تبیین به شکل زیر قابل تحلیل است: الف. استفاده از عبارت «شلیک به سعود»، در سطح اول دلالت بر شوت کردن توپ فوتبال از جانب بازیکنان تیم ایرانی به سمت دروازه تیم عربستانی است ولی انتخاب هدفمند کلمه «شلیک» که یک واژه نظامی و مربوط به ادبیات جنگ است و گزینش واژه «سعود» که در ادبیات سیاسی دلالت بر حکومت عربستان و خاندان آل سعود دارد به جای «تیم الهلال»، نشان از انگیزه ایدئولوژیک نویسنده در انتخاب واژگان است. ب. کلمه «سعود» که یک نوع استعاره حرکتی^{۱۹} محسوب می‌گردد، با واژه «سعود» هم‌آوا است و با رنگ واحد (زردرنگ) به تصویر کشیده شده است و رنگ زرد در فرهنگ عامه ایرانی نشانه نفرت است. از زاویه دیگر سعود و صعود در این تیترو به منزله دو پله یک ترازو بوده و تفسیر آن این است که لازمه پیشرفت و ترقی تیم ایرانی، پیروزی بر تیم عربستانی است و تبیین آن این است که ایدئولوژی و تفکر مربوط به این دو مجموعه در تقابل با هم هستند. ج. کل این تیترو در زمینه‌ای قرمز رنگ که رنگ لباس تیم پرسپولیس بوده و در فرهنگ ایرانی نشانه عشق و محبت است گنجانده شده است. د. تعبیه عکس سه بازیکن ایرانی در بالای تیترو، دو نفر به صورت درازکش و در حالت نشانه‌گیری و آماده برای شلیک تفنگ و دروازه‌بان ایرانی با توپ در دست و آماده شلیک (و نه پرتاب) بیانگر ایده تقابل بین دو کشور در ذهن نویسنده تیترو و انتقال این مفهوم است.

۳	پرسپولیس	فاعل نحوی / نهاد / کنشگر فعل متعدی / گزاره	مبتدای گفتمانی / آغازگر خبر / پایان بخش
۳	الهلال	فاعل نحوی / نهاد / کنش‌پذیر فعل لازم / گزاره	مبتدای گفتمانی / آغازگر خبر / پایان بخش
۴	قربانی کردن الهلال امشب حلال است.	مسندالیه / نهاد مسند / گزاره	مبتدای گفتمانی / آغازگر خبر / پایان بخش
۸	بردنش حلاله.	مسندالیه / نهاد مسند / گزاره	مبتدای گفتمانی / آغازگر خبر / پایان بخش
۱۰	الهلال آچمز می‌شود.	مسندالیه / نهاد مسند / گزاره	مبتدای گفتمانی / آغازگر خبر / پایان بخش

مطابق دیدگاه نقش‌گرایی که آغازگر، همان عنصری است که نقطه شروع یا بخشی است که پایان بخش یا بخش انتهایی جمله، درباره آن خبر یا اطلاع می‌دهد (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۶۴-۶۸) تحلیل همه جمله‌های بالا حاکی از دارا بودن ساخت بی‌نشان بخش آغازگر و بخش پایانی است. همان‌گونه که در جدول ۱ نشان داده شده است، در جملات معلوم یا بی‌نشان بالا که به عنوان تیترو روزنامه انتخاب شدند، فاعل نحوی یا فاعل منطقی با مبتدای گفتمانی یا عنصر آغازگر منطبق است و همین‌طور گزاره در این جملات با عنصر پایانی انطباق دارد.

از نظر کاربردشناسی جملات بالا از نوع کنش بیانی بوده و از واژگان و ساختار معنایی و ترتیب واژگانی مجاز زبان فارسی استفاده نمودند و بنابراین در سطح توصیف زبانی، جملات قابل قبول و معنادار محسوب شده و معناهای خاص و مشخصی را به مخاطب انتقال می‌دهند.

* سطوح تفسیر و تبیین

در این قسمت با استفاده از مبانی و چارچوب نظری این پژوهش، به تفسیر و تبیین هر یک از تیتروهای فوق و عناصر اجتماعی، ایدئولوژیک و فرهنگی و کشف لایه‌های زیرین زبان، آشکارسازی معنا و پیام نهفته در این تیتروها پرداخته می‌شود. در انتخاب این تیتروها نوعی جهت‌گیری خاص که ناشی از فضای تیره روابط سیاسی ایران و عربستان و اتفاقات رخ داده در دو سال اخیر از جمله حادثه منا، فرودگاه جده، حمله به سفارت عربستان در تهران و ... است، مشاهده می‌شود.



تصویر ۳



تصویر ۲

تصویر شماره ۳ و تیتیر آن «پرسپولیس برد؛ الهلال مرد» در روزنامه «پیروزی» ارگان مطبوعاتی باشگاه پرسپولیس، ناظر به مسابقه دو تیم پرسپولیس و الهلال در تهران است که منجر به پیروزی پرسپولیس شده است. تفسیر و تبیین این تیتیر به قرار زیر است: الف- انتخاب فعل «مردن» به جای فعل «باختن» در این تیتیر دارای بار ایدئولوژیک بوده و حاکی از اثر جدی نتیجه این پیروزی در سرنوشت دو تیم در نگاه اول و در نگاه عمیق‌تر دال بر حذف رقیب در عرصه پیش‌رو است. ب- استفاده از عکس دو بازیکن ایرانی با لباس قرمز و علامت‌های مخصوص دست که در تیتیر ۲ تحلیل گردید، همراه با چند تیتیر فرعی که همگی در بردارنده پیام خوشحالی طرفداران پرسپولیس و پاسخ به اعتراض عربستانی‌ها و شبهه ایجاد شده در خصوص نپذیرفتن گل تیم الهلال توسط داور هستند. ج- تعبیه آرم دو باشگاه در زمینه تصویر تیتیر به گونه‌ای که آرم باشگاه پرسپولیس جلوتر از آرم باشگاه الهلال ظاهر شده نیز پیام خاص خود را دارد. د- انتخاب تیتیر فرعی «هواداران پرسپولیس برای چهارمین بار بر بام آسیا» یک رجزخوانی و امید به آینده در بین طرفداران بوده و با استفاده از استعاره مفهومی^{۲۰} «بام آسیا» که معنای ضمنی آن ایستادن در جایگاه اولی قاره آسیا نه فقط توسط تیم پرسپولیس بلکه توسط هواداران و در واقع همه ملت ایران است. ه- دو تیتیر حاشیه‌ای «تصمیم داور درست بود؛ گل الهلال مردود» و «داور باید عذرخواهی کند اما از پرسپولیس» نیز نوعی دست بالا گرفتن باشگاه پرسپولیس در خصوص اعتراضات ناشی از اعلام مردودی گل الهلال است.

تصویر ۲ و تیتیر آن «آتش ما تندتر از جهنم تو»، از روزنامه هدف و مربوط به یکی از مسابقات پیش‌روی بین پرسپولیس و الهلال است. این تیتیر دارای لایه‌های زیرین و نهفته‌ای است که به برخی موارد اشاره می‌شود: الف- نویسنده تیتیر با انتخاب واژه‌های «آتش» و «جهنم»، علاوه بر القای بار ایدئولوژیک و دینی این دو واژه در فرهنگ اسلامی، در صدد آن است با نوعی رجزخوانی، این مفهوم را منتقل کند که هرچند جنس غضب و خشم دو جناح متقابل یکی است، (جهنم مجموعه‌ای از آتش است) اما آن چه که مربوط به تیم ایرانی است تندتر و سوزاننده‌تر است. ب- استفاده از دو ضمیر منفصل «ما» و «تو» که از عناصر اشاری زبان هستند، موجب گردید تا تعیین مرجع این ضمیرها با نوعی ابهام مواجه شود یعنی مرجع ضمیر می‌تواند از جمع بازیکنان دو تیم تا همه طرفداران دو تیم و بلکه آحاد ملت‌های ایران و عربستان در نوسان باشد. ضمن آن که برای طرف ایرانی ضمیر جمع و برای طرف مقابل ضمیر مفرد به کار رفته است. ج- در تصویر، انتخاب رنگ قرمز برای دو کلمه «آتش» و «جهنم» و تعبیه تیتیر فرعی «پایان شب ریاض سپید است» که آرایه‌های معنایی و واژگانی همانند تقابل معنایی «شب» و «سپید» و استعاره مفهومی «شب ریاض» و «سپید» را در بردارد، هدفمند و گفتمان‌مدار است. د- انتخاب عکس دو بازیکن تیم پرسپولیس، یکی با مشت گره کرده که نماد مبارزه‌طلبی و دیگری با علامت مخصوص اشاره انگشتان دو دست به سمت مغز که نماد اسلحه و تیراندازی است، هم القاکننده پیام سیاسی و فرهنگی این تیتیر محسوب می‌شود.



تصویر ۵



تصویر ۴

تصویر ۵ و تیترو آن «نوش جان حلال Halal پرسپولیس 1 الهلال 0» در روزنامه ایران ورزشی که ارگان دولت جمهوری اسلامی ایران بوده و معمولاً مواضع رسمی کشور را اعلام می‌نماید، تفسیر و تبیین خاص دارد: الف- این تیترو یک نوع بازی زبانی است که با استفاده از واژه‌های حوزه تغذیه و مواد غذایی و برند معروف و بین‌المللی «حلال» مخصوصاً به زبان انگلیسی «Halal»، دلالت بر اظهار خوشحالی و شمع مردم ایران و چشیدن طعم پیروزی پرسپولیس دارد. ب- استفاده از رنگ قرمز برای برند حلال و عنوان روزنامه ایران که همرنگ با لباس بازیکن تیم پرسپولیس و عدد ۱ که نتیجه مربوط به پرسپولیس است و انتخاب رنگ آبی برای عدد ۰ و کلمه الهلال نیز نوعی همراهی یا تقابل را القا می‌کند. د- تعبیه عکس بازیکن پرسپولیس در حال شادی کردن و با دستانی باز که نشانه تقدیم این پیروزی و حلاوت و شیرینی آن به مردم است و گنجاندن تیترو فرعی از قول سرمربی پرسپولیس «هواداران، قهرمان اصلی ما هستند» هم به صورت هدفمند در تصویر گنجانده شده است.

تصویر ۴ و تیترو آن «قربانی کردن الهلال امشب حلال است»، مربوط به روزنامه متعلق به باشگاه پرسپولیس در روزی که قرار است مسابقه دو تیم در ورزشگاه آزادی انجام شود کار شده است. این تیترو دارای بار ایدئولوژیک و کارکردهای اجتماعی و سیاسی به قرار زیر است: الف- انتخاب دو واژه «قربانی» و «حلال» که در فرهنگ دینی بار معنایی مشخصی دارند و قرار دادن واژه «الهلال» بین آنها، یادآور مناسک حج و مراسم قربانی حجاج است. این تیترو در روزهایی استفاده گردیده است که در مراسم حج و در حادثه‌ای تعدادی از حجاج ایرانی کشته شدند و یک خشم و انزجار عمومی در بین مردم ایران شکل گرفت. ب- انتخاب عکس بازیکن پرسپولیس در حالیکه در حرکت بوده و با اشاره انگشت و گردن، مفهوم سربردن و قربانی کردن را القا می‌کند، بازتاب خشم افکار عمومی و همراهی و همدردی پرسپولیس با مردم و خانواده قربانیان حادثه منا می‌باشد. ج- دو تیترو فرعی در بالا و پایین تیترو اصلی برای ترغیب مخاطبان و طرفداران به حضور در ورزشگاه و تشویق تیم پرسپولیس انتخاب شده است. در تیترو فرعی «هت‌تریک صد هزار نفری هواداران پرسپولیس»، استفاده از واژه «هت‌تریک» که معمولاً در گفتمان ورزشی به معنای «سه بار گل زدن توسط یک بازیکن» به کار می‌رود برای دلالت بر حضور هواداران در باشگاه نوعی توسیع معنایی این واژه بوده و به منظور کم کردن فاصله بین تیم و هواداران و چسبندگی طرفداران به باشگاه به کار رفته است. در تیترو فرعی «Number of spectators 100000 نژادفلاح: منتظر تکرار این عدد روی اسکوربورد هستیم» نیز با اشاره به حضور یکصد هزار نفری تماشاگران در بازی‌های قبلی پرسپولیس، درخواست حضور مجدد آنان مورد تأکید است.



تصویر ۶

مثل هواداران یا طرفداران این مفهوم را انتقال نمی‌دهند. ۵- انتخاب رنگ قرمز برای تیم و تناسب آن با رنگ لباس بازیکنان تیم پرسپولیس نیز هدفمند است.



تصویر ۸

تصویر ۸ و تیتر آن «بردنش حلاله» که از روزنامه ورزشی گل انتخاب گردید، مربوط به قبل از بازی دو تیم پرسپولیس و الهلال در تهران است. عناصر اصلی گفتامی و اجتماعی این تصویر و تیتر آن شامل موارد زیر است: الف- فعل «بردن» در کنار واژه «حلال» مفهوم «بریدن» را به ذهن متبادر می‌کند که در فضای گفتامی خاص این مسابقه با تیم عربستانی پیام خاص ایدئولوژیک دارد. ب. تیتر فرعی «الهلال با انگشت‌نگاری وارد تهران شد» که دلالت بر عمل متقابل دستگاه دیپلماسی و امنیتی ایران برای انگشت‌نگاری از بازیکنان عربستانی که مبین تحقیر طرف مقابل است.



تصویر ۹

تصویر شماره ۹ و تیتر آن «وای به حال الهلال»، از روزنامه پیروزی، ارگان رسمی باشگاه پرسپولیس و قبل از بازی این دو تیم انتخاب شده است. عناصر تفسیری و تبیینی این تصویر و تیتر به قرار زیر است: الف- استفاده از ریتم شعاری و

تصویر ۶ و تیتر آن «صعود روی شانه‌های سعود» در روزنامه ورزشی گل مربوط به روز قبل از مسابقه دو تیم است که به صورت زیر تحلیل می‌شود: الف- با استفاده از رابطه واژگانی هم‌آوایی بین کلمات «صعود» و «سعود» و ویژگی استعاره بدن‌مند^{۲۱} «شانه» که به معنای دوش است، نوعی جذابیت زبانی را به وجود آورده است و ایستادن روی شانه یک فرد تحقیر او و کنار گذاشتن او پس از غلبه بر او است. ب- عکس به کار رفته در این تصویر که دو دست در قالب یک قلب و در وسط آن عکس بازیکنان پرسپولیس و به رنگ قرمز که هم‌رنگ با خون است به همراه آرم دو تیم به رنگ‌های قرمز و آبی القا کننده محبوبیت تیم ایرانی است. ج- انتخاب تیتر فرعی «آنها امشب در قلب ایران هستند» نوعی تطابق مفهومی هدفمند بین این تیتر و عناصر تصویری به کار رفته محسوب می‌شود.



تصویر ۷

تصویر شماره ۷ و تیتر آن «ایران در انتظار حماسه ریاض» از روزنامه خبر ورزشی انتخاب گردیده است. پیام‌های فرهنگی و سیاسی این تیتر عبارت است از: الف- استفاده از عبارت «در انتظار حماسه» که یک بیان حماسی مربوط به ادبیات جنگ است. ب- وجود دو کلمه «ایران» و «ریاض» در دو منتهی‌الیه آن که نشان‌دهنده تقابل دیداری است. ج- عکسی از بازیکنان پرسپولیس در حال هم‌قسم و هم‌پیمان شدن که معمولاً با عبارتهای مذهبی توأم است. د- تیتر فرعی «با صعود دل مردم را شاد کنید» استفاده از واژه «مردم» بار مفهومی و ایدئولوژی خاصی دارد و در حالی که واژه‌های جایگزین آن

21. entailment metaphor

گرفتن ایدئولوژی و بافت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی میسر نیست.

تیترو روزنامه‌ها عناصر زبانی منحصر به فردی هستند که به دلیل محدودیت فضایی باید در کمترین ساختار واژگانی و نحوی بیان شود در عین حال بتواند توجه مخاطب را جلب نموده و پیام مد نظر نویسنده را انتقال دهد. نویسندگان تیترو رسانه ورزشی با توجه به گوناگونی مخاطبانشان از نظر سطح سواد و معلومات و سلیقه‌های اجتماعی و فرهنگی مختلف با محدودیت‌های بیشتری در انتخاب تیترو مواجه‌اند. نویسنده برای خلق یک تیترو ورزشی که توانایی برانگیختن علایق مخاطبان را داشته باشد مجموعه‌ای از تکنیک‌ها و بازی‌های زبانی را در اختیار دارد. این مقاله با بررسی تیتروهای ورزشی مسابقات فوتبال تیم‌های پرسپولیس ایران و الهلال عربستان، به توصیف و تحلیل عناصر زبانی، گفتمانی و اجتماعی این تیتروها در قالب نظریه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف پرداخته و ضمن بررسی ارتباط تیترو با بقیه عناصر دیداری و بافت غیرزبانی صفحه اول روزنامه به نقش ایدئولوژی و عناصر فرهنگی و سیاسی در تولید این تیتروها دست یافته است. تحلیل داده‌ها در سطح اول کاربرد انواع روابط واژگانی همچون چندمعنایی، هم‌آوایی، ابهام و استعاره و برخی ابزارهای تیترو نویسی همانند بازی با واژه‌ها و دلالت ضمنی واژه‌ها را نشان می‌دهد. در این سطح همچنین ویژگی‌های نحوی تیتروهایی که در قالب جمله و عبارت بودند بیان شد. انتخاب واژه‌ها و عبارت‌هایی همانند قربانی کردن، حلال، جهنم، حماسه، شلیک و ... که در گفتمان مذهبی و ادبیات جنگ کاربرد دارند و نیز انتخاب و توسیع معنایی برخی واژه‌ها که در گفتمان ورزشی مفهوم خاصی دارند همانند آچمز، هت‌تریک برای مقاصد غیر ورزشی نمونه‌هایی از این مدعا است. در سطح تفسیر و تبیین این ده تیترو، جهت‌گیری سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژیک نویسنده این تیتروها به وضوح قابل شناسایی بوده و در لایه‌های پنهان زبانی در این تیتروها دلالت‌های ضمنی سیاسی و فرهنگی نهفته است. روابط بین این تیتروها و سایر فاکتورهای دیداری همچون رنگ، ژست و رفتارهای غیرکلامی بازیکنان و شخصیت‌ها در این مقاله بررسی شده است. در تحلیل تیتروها در سطوح سه‌گانه توصیف، تحلیل و تبیین، جریان داشتن ایدئولوژی با وساطت زبان در ورزش به عنوان یکی از نهادهای اجتماعی و غلبه فضای سیاسی ناشی از روابط تیره ایران و عربستان پس از حوادث منا و فرودگاه جدّه مشاهده می‌شود.

موزون این تیترو که القاکننده نوعی رجزخوانی برای تضعیف روحیه تیم مقابل و تقویت انگیزه بازیکنان و هواداران پرسپولیس که مخاطبان روزنامه هستند، قلمداد می‌شود. ب- معنای نهفته در عبارت «وای به حال» که در فرهنگ ایران نوعی ابزار تهدید و ارباب طرف مقابل به حساب می‌آید و حاکی از عواقب سختی است که در انتظار او خواهد بود، است. ج- انتخاب تیترو فرعی موزون «هوادر چشم‌انتظار، پرسپولیس بیقرار»، نوعی خوف و رجا را که از ویژگی‌ها و عناصر اصلی فرهنگی جامعه ایرانی و فرهنگ اسلامی است، نشان می‌دهد. این تیترو دربردارنده مفهوم «چشم‌انتظار» که امید به پیروزی و خبر خوب در آینده را می‌رساند و مفهوم «بیقرار» که حکایت از وجود نگرانی و طبیعتاً تلاش برای رسیدن به هدف است.



تصویر ۱۰

تصویر شماره ۱۰ و تیترو آن «الهلال آچمز می‌شود»، انتخاب شده از روزنامه پرسپولیس، در سطح تفسیری و تبیینی به گونه زیر قابل تحلیل است: الف- واژه «آچمز» که در بازی شطرنج به وضعیتی اطلاق می‌گردد که شاه یا یکی از مهره‌های اصلی در وضعیت بن‌بست قرار می‌گیرد و استفاده از این واژه در این تیترو از نگاه اجتماعی به حکومت پادشاهی کشور مقابل دلالت دارد که تیم الهلال آن را نمایندگی می‌کند. ب- استفاده از رنگ سفید برای لباس بازیکن تیم پرسپولیس که یک خرق عادت برای بیننده بوده و پیام روشنی و امید و پیروزی را به مخاطب القا می‌نماید. ج- تیتروهای فرعی در دو طرف تصویر که دلالت بر تصمیمات مربی و مدیریت باشگاه و اتخاذ تاکتیک‌های جدید برای جبران غیبت سه بازیکن اصلی دارد، در واقع نوعی ایجاد و القای امید و روحیه در مخاطب تلقی می‌گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

رسانه‌ها همواره از زبان به عنوان یک ابزار مؤثر برای بیان اهدافشان استفاده می‌کنند و تحلیل زبان رسانه بدون در نظر

منابع

- آفاکل‌زاده، فردوس (۱۳۸۵). *تگفا*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- آفاکل‌زاده، فردوس، غیثیان، مریم‌سادات (۱۳۸۶). «رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی»، *مجله زبان و زبان‌شناسی*، شماره ۵: (۳۹-۵۴).
- آفاکل‌زاده، فردوس، رضا خیرآبادی؛ گلفام، ارسلان؛ کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه (۱۳۹۱). «انگاره زبان‌شناختی نگارش و گزینش خبر: رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی». *پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی*، شماره ۴، (۲۵-۴۲).
- احمدی کلانه‌احمد، زهرا (۱۳۹۵). «بررسی کارکرد نظام کنشی و غیرکنشی در گفتمان‌های ورزشی»، *فصلنامه هنر زبان*، شماره ۱، (۵۹-۸۰).
- جهانگیری، جهانگیر؛ بندرریگی‌زاده، علی (۱۳۹۲). «زبان، قدرت و ایدئولوژی در رویکرد «انتقادی» نورمن فرکلاف به تحلیل گفتمان». *پژوهش سیاست نظری*، شماره ۱۴، (۵۷-۸۲).
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۶). *زبان‌شناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی*، چاپ دوم، تهران: سمت.
- رضایور، ابراهیم؛ آفاکل‌زاده، فردوس (۱۳۹۱). «نقش استعاره در برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی ایدئولوژی در روزنامه‌های داخلی»، *دوفصلنامه علمی پژوهشی زبان‌پژوهی*، سال ۴، شماره ۷، (۶۷-۹۴).
- شعیری، حمیدرضا (۱۳۸۵). *تجزیه و تحلیل نشانه - معناشناسی گفتمان*، تهران: سمت.
- عضدانلو، حمید (۱۳۹۱). *گفتمان و جامعه*، چاپ دوم، تهران: نشر نی.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۸۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*، ترجمه گروه مترجمان، چاپ سوم، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- قاسمی، حمید؛ فراهانی، ابوالفضل؛ حسینی، معصومه (۱۳۹۵). *ارتباط‌شناسی*، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- محسنی، علی‌اکبر؛ نورالدین پروینی (۱۳۹۴). «بررسی گفتمان انتقادی در نهج‌البلاغه بر اساس نظریه نورمن فرکلاف (مطالعه موردی توصیف کوفیان)». *پژوهش نامه علوی*، شماره ۲، (۱۳۳-۱۵۵).
- ناصری، زهره سادات؛ فاروقی هندولان، جلیل‌الله؛ ناصری، امین؛ محمدی، ابراهیم (۱۳۹۴). «تحلیل گفتمان انتقادی داستان مرگ یونصر مشکان بر اساس رویکرد نورمن فرکلاف». *علم زبان*، شماره ۴، (۸۵-۱۱۰).
- نوذری، حمزه؛ جمشیدی‌ها، غلامرضا؛ غلامی‌پور، اسماعیل؛ ایرانی، یوسف (۱۳۹۲). «سودمندی گفتمان انضمامی فرکلاف در تحلیل متون انضمامی: با نگاهی به متون تولید شده رسانه‌ای با محوریت بحران اقتصادی و اجتماعی اخیر در اروپا و آمریکا». *مطالعات و پژوهشات اجتماعی در ایران*، شماره ۱، (۱۵۳-۱۷۶).
- یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۳). *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی*، تهران: هرمس.
- یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۵). *ارتباطات از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی*، تهران: انتشارات هرمس.
- یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۹۳). *درآمدی به گفتمان‌شناسی*، تهران: انتشارات هرمس.
- یحیایی ایل‌های، احمد. (۱۳۹۳). *تحلیل گفتمان چیست؟ نخستین نشریه بین‌المللی روابط عمومی/علمی/آموزشی*.

REFERENCES

- Fairclough, N. (1989). *Language and power*. London: Longman.
- Halliday, M.A.K & Ch. Matthiessen (2004). *An Introduction to Functional Grammar*. 3rd edition, London: Edward Arnold Publishers Ltd.
- Hodge, R. & Kress G. (1976). *Language as Ideology*. Great Britain: Red wood books.
- Schiffrin, D. (1994). *Approach to Discourse*. Oxford and Cambridge: Blackwell.
- Stubb, M. (1983). *Discourse Analysis*, Chicago: University of Chicago Press.
- Tanen, D. (1989). *Talking Voices: Repetition, Dialog and Imaginary in Conversational Discourse*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Van Dijk, T. A. (1985). *Introduction: discourse as a new cross discipline*, In T.A.V. (Ed.), *Handbook of Discourse Analysis*, vol.: *Disciplines of Discourse*. New York: Academic Press.
- Van Lee Wen, T.A. (1996). *The Representation of Social Actors*, In Caldas Coulthard, C.R., & Coulthard, M. (ed.), *Texts and Practice: Reading in CDA*. London: Rutledge.